

پرسش ۲۵: معنی حدیث «دنیا زندان مؤمن است»

سؤال / ۲۵: ما معنى ما ورد في الحديث عن رسول الله وعن الأئمة: (إن الدنيا سجن المؤمن) ([65]) ؟

این که در حدیث از پیامبر خدا(ص) و از ائمه (ع) نقل شده است «دنیا زندان مؤمن است» ([66]) به چه معنا می باشد؟

الجواب: وكذلك ورد عنهم: (إن الصلاة معراج المؤمن) ([67])، فهذا المؤمن هو ذلك المؤمن، وليس المؤمن هنا هو من اعتقد بالإسلام والولاية فقط.

پاسخ: هم چنین از این بزرگواران (ع) روایت شده است: «نماز معراج مؤمن است» ([68]). مؤمن در این حدیث همان مؤمن در حدیث مذکور می باشد و منظور از مؤمن در این جا، کسی که صرفاً به اسلام و ولایت اعتقاد داشته باشد، نیست.

فالمؤمن الذي تصبح الدنيا بالنسبة له سجناً وضيقاً وآلاماً بلا حدود، ولا تنتهي إلا بالخروج منها عند الموت، هو المؤمن الذي يعرج في صلاته إلى السموات السبع، فهو ممن أخذوا الذكر عن الدنيا بدلاً، فاستصبحوا بنور يقظة بالأبصار والأسماع والأفئدة يذكرّون بأيام الله ([69])، وهذا المؤمن الذي عرج إلى السموات السبع، وسعى وحصل تلك المقامات المحمودة، وهو تلك الروح التي تسبح بحرية في السماء الثانية والثالثة والرابعة ... كيف لا يكون تعلقه بهذا الجسم المادي وتقيده به سجناً له؟!

آن مؤمنی که دنیا برایش زندان و تنگنا و دردهایی بی انتها است؛ که فقط با خروج از دنیا به هنگام مرگ از این گرفتاری ها رها می شود، مؤمنی است که در نمازش به آسمان های هفت گانه عروج می کند. او جزو کسانی است که به جای دنیا، ذکر را برگزیدند. چنین مؤمنی با یاد روزهای خداوند، نور بیداری را در دیدگان و گوش ها و دل ها صبح می کند. ([70]) چنین مؤمنی که به آسمان های هفت گانه

عروج کرده و سعی و تلاش نموده و آن مقامات پسندیده را به دست آورده است، همان روحی است که در آسمان‌های دوم و سوم و چهارم.... با آزادی پرواز می‌کند. چطور ممکن است تعلق و تقید او به این جسم مادی، برایش به مانند زندان نباشد؟!

ثم إنَّ هذا العالمَ الجسماني هو صفيح ساخن فوق جهنم، وحجاب جهنم وجرف هارٍ يمكن أن ينهار بالإنسان في أي لحظة ليلقيه في جهنم، وظلمات بعضها فوق بعض، فجهنم وهذا العالم الجسماني كقاب قوسين أو أدنى، قال تعالى: (يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ) ([71]).

این عالم جسمانی پهنه‌ای داغ و سوزان بر بالای جهنم و حجاب جهنم و لبه‌ی پرتگاهی است که هر لحظه ممکن است انسان را سرنگون سازد و به جهنم دراندازد. (تاریکی‌هایی بر فراز یکدیگر است). جهنم و این عالم جسمانی همانند (به قدر دو کمان، یا نزدیک‌تر) می‌باشند. حق تعالی می‌فرماید: (از تو به شتاب عذاب خدا را می‌طلبند، حال آن‌که جهنم بر کافران احاطه دارد) ([72]).

كيفية لا يكون لاقتراب روح المؤمن منه بسبب تقيدها بالجسم سجناً له وضيقاً ما بعده ضيق بعد ما علم أنه اقترب من جهنم ومن الظلمات التي بعضها فوق بعض، فهذا المؤمن يحس بضيق شديد واختناق لا ينتهي، إلا بانطلاق روحه ونيلها الحرية بعد النجاح بالامتحان والخروج من هذه الدنيا بقلب سليم، وبحظ في السماء السابعة الكلية أي سماء العقل والمقربين، قال تعالى في وصف حال الموت بالنسبة للإنسان: (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ) ([73]).

چگونه ممکن است نزدیک بودن روح مؤمن به جهنم به دلیل مقید بودنش در جسم، زندانی برای او و تنگنایی که بالاتر از آن تنگنایی نیست نباشد؛ آن هم پس از آن‌که فهمیده است که این نزدیک بودن، در واقع نزدیک بودن به جهنم و به

تاریکی‌هایی است که برخی بر فراز برخی دیگر می‌باشد. چنین مؤمنی تنگنا و اختناق بسیار شدیدی را که پایانی ندارد احساس می‌کند مگر با خروج روحش و دستیابی آن به آزادی، آن هم پس از موفقیت در امتحان و خروج از این دنیا با قلبی سلیم، و با اقبالی در آسمان هفتم کلی یعنی آسمان عقل و مقرّبین حاصل می‌گردد. خداوند متعال در وصف حال مرگ انسان می‌فرماید: (اما اگر از مقرّبان باشد * برای او است آسایش و روزی و بهشت پر نعمت) ([74]).

أَيَّ حَالٍ هُوَ لَاءَ هُوَ الرَّاحَةُ حَالِ الْمَوْتِ، رُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ، فَلَا عَذَابَ وَلَا آلَامَ عِنْدَ الْمَوْتِ، بَلْ رَاحَةٌ وَفَرَحٌ وَسُرُورٌ بِفِرَاقِ هَذَا الْجِسْمِ الَّذِي طَالَمَا كَانَ سَجْنًا مَظْلَمًا ضَيْقًا بِالنِّسْبَةِ لِهَذِهِ الرُّوحِ الطَّيِّبَةِ الْمُبَارَكَةِ.

یعنی حالت این عده، راحتی به هنگام مرگ است؛ آسایش و روزی و بهشت پر نعمت. هنگام مرگ نه عذابی هست و نه درد و رنجی، بلکه آسایش است و شادی و سرور، به خاطر جدا شدن از این جسمی که همواره زندانی تاریک و تنگ برای این روح پاک و مبارک بوده است.



[65] - الخصال للشيخ الصدوق : ص 108، عن أبي عبد الله (ع) قال: (الدنيا سجن المؤمن، والقبر حصنه، والجنة مأواه. والدنيا جنة الكافر، والقبر سجنه، والنار مأواه).

[66] - خصال شيخ صدوق: ص 108. از ابو عبدالله (ع) روایت شده است که فرمود: «دنيا زندان مؤمن است و قبر دژ او و بهشت جایگاهش؛ و دنیا بهشت کافر است و قبر زندانش و آتش جایگاهش».

[67] - مستدرک سفينة البحار: ج 6.

[68] - مستدرک سفينة البحار: ج 6.

[69] - أيام الله : الآؤه ونعمه، عن أبي عبد الله (ع) في قول الله: " وذكّرههم بأيام الله "، قال: (بآلاء الله يعني نعمه) بحار الأنوار : ج 68 ص 53. وهي : بلاؤه ومثلاته بالأمم ، قال رسول الله : (أيام الله نعمائه وبلاؤه ومثلاته سبحانه)

ج 67 ص 20. وهي: الأيام الثلاثة، عن مثني الحنات، قال: سمعت أبا جعفر (ع) يقول: (أيام الله ثلاثة: يوم يقوم القائم، ويوم الكرة، ويوم القيامة) ج 7 ص 61. وهي: الأئمة، عن أبي عبد الله (ع)، في قول الله عز وجل: "قل للذين آمنوا يغفروا للذين لا يرجون أيام الله"، قال: (قل للذين مننا عليهم بمعرفتنا، أن يعرفوا الذين لا يعلمون، فإذا عرفوهم فقد غفر لهم) تفسير القمي: ج 2 ص 492.

[70] - أيام الله، برکات و نعمت‌های او هستند. از ابو عبد الله (ع) درباره‌ی این سخن خداوند متعال «وَدَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (و روزهای خدا را به یادشان آور) روایت شده است که فرمود: «برکات خداوند را یعنی نعمت‌هایش را». بحار الانوار: ج 68 ص 53. و هم‌چنین آزمایش‌ها و مصیبت‌هایش بر امت‌ها نیز هست. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «روزهای خدا، نعمت‌هایش، بلاهایش و مصیبت‌های خداوند سبحان می‌باشد». بحار الانوار: ج 67 ص 20. این ایام، ایام سه‌گانه‌اند. از مثنی الحنات نقل شده است: شنیدم ابا جعفر (ع) می‌فرماید: «روزهای خدا سه تا هستند: روز قیام قائم، روز رجعت و روز قیامت». بحار الانوار: ج 7 ص 61 و همان ائمه می‌باشند. از ابو عبد الله (ع) درباره‌ی این سخن خداوند عزوجل (قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ) (به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو: از خطای کسانی که به روزهای خدا باور ندارند درگذرید) روایت شده است که فرمود: «به کسانی که با شناخت ما بر ایشان منت نهاده‌ایم بگو که به کسانی که نمی‌دانند بشناسانند که اگر به آن‌ها بشناسانند گناهشان را بخشیده‌اند».
تفسیر قمی: ج 2 ص 492.

[71] - العنكبوت: 54.

[72] - عنكبوت: 54.

[73] - الواقعة: 88 - 89.

[74] - واقعه: 88 و 89.